

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

فکرِ درم!

(از بخش دوم « فریاد اسیر »)

طنز انتقادی

چندی قلم شکسته به فکر درم شدم
کم بود بیش ازین سر و سامان زندگی
رشم به ایشکم دگران آمد، از تلاش
بس رنجه از گُردش دوران کشیده ام
از ذوق شعرگویی و تهدید و انتقاد
بـار عیالداري به دوشم فتاده بود
طفلی که پا برهنه به مکتب روانه بود
با دیگرش که پاره لباسی به تن نداشت
بس احتشام خلق جهان چشمگیر بود
پولی به دست آمد و با آستین نـو
بسیار تلخ دیـده و شیرین شنیده ام
شبها به یاد نـرگس مخمور گلرخی
رند خـراب و دلـق کرامات سوخته

از خود برون، بفکر درم یکقلم شدم
یک بیش و کم به آرزوی بیش و کم شدم
در فکر سیر کردن نفس و شکم شدم
چندی پی تلافی این رنج و غـم شدم
خامش نشسته، منکر لا و نعم شدم
در فکر پیش بردن این بار غم شدم
دستش گرفته در غـم او پُرالم شدم
با پاره پاره دامنی، چم رفته خم شدم
در جست و جوی راحت و جاه و حشم شدم
در هر کجا معزز و هم محترم شدم
که تلخ و گه تـُرُش به هزاران رقم شدم
در پای خـم به آرزوی خام، خم شدم
جامی بکف گرفته تو گویی که جم شدم

دیدم بسی فـراز و نشیب زمانه را در ساز زندگی رقم زیر و بم شدم
با این هوس، به ماده ز معنی گـریختم ای وا که با وجود خیالی عدم شدم
پا از گلیم خویش برون کرده، چند روز در جان خویش مایه درد و ستم شدم
دیدم که این هوا و هوس جمله خام بود بار دگر به پختگی، در راه سم شدم
برداشتم قـلم که کنم انتقاد «اسیر»
بُران به سان خنجر تیز دودم شدم

(کابل عزیز - حوت ۱۳۳۵ هـ ش)